

جوابهای نورانی در مورد عاشورای حسینی

جمع آوری کننده: موالی غیور
محرم سال ۱۴۲۴هـ

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

ستایش و سپاس را پروردگار جهانیان است و سلام و درود بر سرور پیشینیان و آیندگان پیامبر ما محمد و آل طیب و پاکش... و اما بعد:

این کتابچه ایست نکته بین و مختصر که در آن بجز نقل و روایت از کتب و مراجع چیز دیگری وارد نشده است؛ درخواستی که از شما دارم این است که در قضاوت عجله نفرمائید، همانا حقیقت دوست داشتنی است و هر عاقلی در پی آن است و کسی که در راه بدست آوردن آن به خود سختی دهد، لذت و راحتی را بعد از بدست آوردن آن خواهد چشید.

بله، راه بدست آوردن حقیقت سخت و پر مشقت است ولی گریزی از آن وجود ندارد، چه اندازه ائمه علیهم السلام کوشش و وقت خود را صرف آشکار کردن شعائر دینی کردند، چه بسا که سرور و امام جوانان اهل بهشت خودش و جانش را برای نصرت و یاری این دین و بیان شعائر اسلام و حقائقش فدا کرد، پس وظیفه‌ی ما می باشد که در آشکار کردن و جستجوی حقائق دین خود را مکلف کنیم.

این سؤالاتی چند و جوابهایی کوتاه از آن ایام می باشد، ایام عاشوراء و همچنین بعضی مسائل مهم مربوط به عزاداری و قبور و صبر بر مشقتهائی که چه اکنون گریبانگیر ما است و چه با یاد مصائب گذشته گرفتار آن می شویم. و البته که باید در نظر داشت اگر مصیبتی بر مؤمنی وارد شد همانگونه که خداوند عزوجل فرموده است باید بگوید: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره: ۱۵۶). ترجمه: «همانا ما برای الله هستیم و همانا بازگشت ما بسوی اوست».

خاطر نشان می کنم تمامی جوابها از روایات صحیح اثبات شده ای است که از ائمه علیهم السلام رسیده است و یا از علمای محقق متقدم (قدیمی) و متأخر (جدید) می باشد. و ناگفته نماند: به علت محدودیتهای چاپی سعی در اختصار مطالب کرده ام. همانا روایات زیادی از ائمه علیهم السلام در جلالشان نقل شده است، و بر تقلید کورکورانه ای که ما را مهمل و هیچکاره می گرداند هشدارهایی بس وجود دارد، ولی با این حال زمانهای زیادی است که در بطلان آن تقلید زندگی کرده و از فلانی و فلانی به شکلی تقلید می کنیم که انگار عقلی در ما وجود ندارد.

با وجود اینکه مذهب به کسب علم و اجتهاد فرمان می دهد ولی در عصرهای ضعف و انحطاط از روی ترس مطالعوی علم دینی و اجتهاد را ترک کرده ایم، ولی حالا ما ندای اجتهاد سر داده و یاد آور می شویم مذهب شیعه دعوت به اجتهاد می دهد و درهای اجتهاد در آن باز می باشد، ولی ترور فکری بی حد و حصری بر روشنفکران وجود داشته، و در نتیجه آن حال و وضع عوام نیز به تبع آن بوده است و هر آینه راهی برای ما جز تقلید و تبعیت مراجع باقی نگذاشته است.

و این هم اقتباساتی از کلام ائمه علیهم السلام برای شما، و ان شاء الله که ما را در دعای خود فراموش نمی کنید.

س: نظر شما در مورد شعائر حسینی و رد کسانی که می گویند: این موارد در زمان ائمه اطهار علیهم السلام وجود نداشته است و در نتیجه دارای مشروعیت نمی باشد چیست؟

ج: آیت الله العظمی جواد تبریزی اینگونه جواب داده اند که: شیعیان در زمان ائمه با تقیه زندگی می کردند و اینکه این شعائر حسینی وجود نداشته است به علت عدم امکان وجود آن بوده است و این مسئله عدم مشروعیت آنرا در زمان حاضر نمی رساند، و اگر شیعیان در آن زمان امکان برگزاری شعائر حسینی را داشتند

همانگونه که ما اکنون آنرا انجام می دهیم به آن می پرداختند، مانند نصب پرچمهای سیاه بر در حسینه ها برای اظهار ناراحتی (قسمت دوم از صراط النجاة خوئی صفحه ۵۶۲ چاپ ۱۴۱۷).

به مانند این جواب علامه آیت الله العظمی علی حسینی فانی اصفهانی نیز وقتی به وی گفته شد: این امور^۱ در زمان معصومین علیهم السلام با وجود اینکه آنها اهل مصیبت بوده و بر تعزیه ی حسین علیه السلام از ما اولی تر بوده اند وجود نداشته است؛ و در هیچ حدیثی، امری از آنها در این باره وجود ندارد و این امور بدعتی^۲ است که شیعه آنها را در دین قرار داده است. و آنرا شعائر مذهبی می خواند و همانطور که سینه به سینه به ما رسیده است هر بدعتی گمراهی و هر گمراهی باعث داخل شدن در آتش جهنم می باشد.

گفت: جواب واقعا واضح است، هر مسئله جدیدی بدعت نیست، و بدعت نكوهیده عبارت است از قرار دادن حکمی ساختگی است که در دین وجود ندارد، و از دین نیز نمی باشد و [باید توجه داشت] روایت وارد شده در مذمت بدعت و بدعتگذار بیانگر منع قرار دادن حکمی در دین نمی باشد بلکه به حکم عقل، زشتی قرار دادن مسائلی را در دین بیان می کند که به طریقی غیر از راه مجاز آن و در لوای دین و به اسم وحی آسمانی قرار داده می شود؛ اگر اینگونه نباشد در مورد شبهاتی که مربوط به صادر کردن حکم می باشد و روایات بر بیزاری جستن از آنها دلالت دارد و برعکس عقل حکم می کند که عقوبت برای آنها زشت می باشد، چه

۱ - مراسم عزاداری (مترجم).

۲ - بدعت به امری گفته می شود که اصلی در دین نداشته و بصورت ساختگی وارد دین می شود (مترجم).

باید گفت؟ بدیهی است که شعائر حسینی اینگونه نیستند گریه کردن^۱ بر آنها فعلی است که سببی می‌خواهد و من می‌گویم: [سبب آن] می‌تواند زبانی باشد، مثل ذکر مصائب و ساختن مرثیه، و یا عملی باشد مانند اعمال قومی^۲؛ و فقیه باید حکم به جایز بودن آن شعائر دینی را صادر کند تا گریه زاری بهتر انجام شود و هرگز متوقف نشود؛ چه بسا که تعزیه مقصد و هدف من می‌باشد، و گریزی جز به نمایش گذاردن آن نمی‌باشد؛ و همانطور که می‌دانیم نمایش در هر ملتی فرق می‌کند و یکسان نمی‌باشد و در این امور بدون تعارف در نزد شیعه منعی در باره آن نیامده است و عقل نیز آنرا قبیح نمی‌داند و علت شک تو نیز نفهمیدن مفهوم بدعت و عدم تطبیق آن با مسائل امکان پذیر می‌باشد (مقتل الحسین از مرتضی عیاد ص ۱۹۷).

و حسن مغنیه گفته است: سلسله آل بویه تشکیل شد و از پس آن، این روز^۳ پدید آمد - سوگواری و حسینی‌ها در این روز در جائی ثبت نشده اند بجز بوسيله آل بویه - و همانگونه که شایسته ی حزن ما می‌باشد در بغداد و تمام عراق و خراسان و ماوراء النهر و تمام دنیا تجلی یافت و سرزمینها سیاه پوش شدند، و مردم برای ابلاغ فاجعه دردناکی که اهل آن سختی کشیده بودند به کامل ترین شکل قیام کردند، و همچنین در سلسله حمدانی، حسینی‌ها در حلب در روز عاشورا نیز در مقابل مراسم بغداد احساس کوچکی کردند، و به اصول را برای خود انتخاب کردند

۱ - احمد بن فهد الحلی در عدة الداعی (صفحه ۱۶۹) از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: تمامی چشمان در روز قیامت گریانند بجز سه چشم: چشمی که نگاه خود را از حرام الله حفظ کند و چشمی که برای طاعت خداوند بیدار بماند و چشمی که در دل شب از ترس از عظمت و بزرگی خداوند گریه کند؛ پس بنابراین گریه از ترس خداوند باید باشد نه آنگونه که در حسینی‌ها و عزاداری می‌باشد.

۲ - اعمال قومی: اعمال محلی و عامیانه که در روستا و شهرهای مختلف عرف شده است. (مترجم).

۳ - ایام محرم.

که در جمیع اماکن اسلامی و عربی بخصوص در عراق و ایران و هند و سوریه و حجاز وجود داشت؛ در نتیجه آن ماتم و نوحه خوانی برپا شد و برای ریختن اشکها پیمان بسته شد و برپا داشتن شعائر حسینی مظهري از مظاهر خدمت به حق و اشاعه ی آن گردید (آداب المنابر: صفحه ۱۹۲).

باید گفت: قبل از آل بویه و فاطمیه هیچ مظهري برای خدمت به حق و اعلان حقیقت وجود نداشت و بعد از آنکه آنها آمدند (کسانی که امام معصوم نبودند) این مسائل را مظهري از مظاهر خدمت به خلق قرار دادند.

س: آیا از رسول الله ﷺ و یا ائمه اطهار علیهم السلام نصی بر مظلوم نمائی و نوحه خوانی و پوشیدن لباس سیاه و قمه زنی و آنچه که در عزاداری امروزه انجام می شود وجود دارد؟

ج: جواب این سوال را علامه محمد بن حسین بن بابویه قمی ملقب به شیخ صدوق اینگونه داده است: در لفظ رسول الله ﷺ که بر آن چیزی برتری ندارد به این شکل آمده است که: «نوحه سرائی از اعمال جاهلیت می باشد» (من لایحضره الفقیه: ۲۷۱/۴-۲۷۲). و همچنین محمد باقر مجلسی با این لفظ آنرا روایت کرده است که: «نوحه سرائی از جاهلیت می باشد» اه. (بحار الأنوار: ۱۰۳/۸۲).

و تمامی علماء محقق از جمله نوری و بروجردی از رسول الله ﷺ روایت کرده اند که او فرمود: «دو صدا هستند که ملعونند و خداوند به آنه غضب می کند: شیون در مصیبت و صدا در حالت شادی یعنی: نوحه و غناء» (بحار الأنوار: ۱۰۱/۸۲).

از این روایات می توان یاد کرد از نوشته ای که امیر المومنین علیه السلام به رفاعه بن شداد فرستاد: «در سرزمینی که صاحب قدرت هستی تو را به نوحه برای مرده هشدار می دهم» (مستدرک الوسائل: ۱/۱۴۴).

و همچنین سخن علیه السلام در حدیث: «و همانا شما را از نوحه و شیون نهی می کنم» (جامع احادیث الشیعة: ۳/۳۷۲).

و روایتی که جابر رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است که فرمود: «و همانا من شما را نهی کرده ام از نوحه سرائی و دو صدای احمقانه ی بی بندبار: صدا هنگام نغمه های لهو و آوازهای شیطانی و صدا هنگام مصیبت [و] چنگ زدن صورت و پاره کردن یقه و ناله شیطانی» (مستدرک الوسائل: ۱/۱۴۵).

و از امام علی علیه السلام: سه چیز از اعمال جاهلیت می باشد و در بین مردم از بین نمی رود تا قیامت برپا شود: باران طلبیدن از ستارگان و توهین کردن به اقوام و نوحه سرائی در مرگ» (بحار الأنوار: ۱۰۱/۸۲).

و کلینی و غیره از امام صادق علیه السلام روایت می کنند که فرمود: «فریاد زدن بر مرده اصلاح نمی گردد و جایز نمی باشد ولی اکثر مردم درک نمی کنند». (الکافی: ۲۲۶/۳).

و کلینی همچنین از امام صادق علیه السلام آورده است که فرمود: «فریاد زدن برای مرگ جایز نیست و لباس پاره کردن [نیز همچنین] جایز نیست» (الکافی: ۳/۲۵۵).

محمد باقر مجلسی از امام علی علیه السلام روایت می کند: «وقتی ابراهیم بن رسول الله صلی الله علیه و آله فوت کرد به من امر فرمود و من [نیز] او را غسل دادم، رسول الله صلی الله علیه و آله او را کفن نمود و حنوط مالید و به من فرمود: ای علی او را حمل کن، او را حمل کرده تا به بقیع رساندم و بعد از آن بر آن نماز گذارد... و وقتی احوال او را دید علیه السلام گریه کرد و از پس گریه ی او مسلمانان گریه کردند تا اینکه صدای [گریه] مردان از

صدای زنان بلندتر شد و رسول الله ﷺ به شدیدترین حالت آنها را نهی فرمود و گفت: چشم گریه می کند و قلب غمگین می شود و نمی گوئیم پروردگار بر ما خشم می آورد، و همانا ما توسط تو دچار مصیبت می شویم و همانا ما به اراده تو اندوهگین می شویم». (بحار الأنوار: ۱۰۱-۱۰۰/۸۲).

ملاحظه کن ای برادر مسلمان چگونه مصطفی ﷺ به شدیدترین حالت، بلند کردن صدای گریه را نهی فرمود.

و همانگونه که ﷺ از صوت حزین در مصیبت نهی فرمود و [همچنین] از نوحه سرائی و شنیدن آن [نیز] نهی فرمود. (وسائل الشیعة: ۹۱۵/۲).

و کلینی از فضل بن میسر روایت می کند که گفت: «ما نزد ابی عبدالله ع فرمودیم و مردی آمد و از مصیبتی که به وی وارد شده بود شکایت می کرد. ابو عبدالله ع فرمود: چنانچه تو صبر کنی اجر می گیری و اگر صبر نکنی آن قدری که خداوند بر تو مُقَدَّر کرده است، می گذرد و سختی آن را خواهی کشید». (الکافی: ۲۲۵/۳).

و از امام صادق جعفر بن محمد ع که فرمود: «صبر و بلاء بسوی مؤمن شدن، پیش می برند [بطوری که] بلاء می آید و او صبور است، و بلاء و جزع بسوی کافر شدن پیش می برند و آن وقتی است که بلاء می آید و او جزء و فزع می کند». (الذکری: صفحه ۱).

محمد بن مکی العاملی ملقب به شهید اول گفت: «شیخ در المبسوط و ابن حمزة نوحه را حرام کردند و شیخ ادعا کرد [این مسئله] اجماع^۱ است» (الذکری: صفحه ۲، بحار الأنوار: ۱۰۷/۸۲).

۱ - اجماع در اصطلاح فقهی به حکمی گفته می شود که تمامی علماء بر آن اتفاق نظر دارند. (مترجم).

و شیخ ابو جعفر محمد بن حسن طوسی ملقب به شیخ الطائفه، نوحه را حرام کرد و ادعایش این بود که، این مسئله اجماع می باشد، چه بسا او در عصر طوسی بود و شیعیان در آن زمان بر حرام بودن نوحه و شیونی که اکنون در حسینیات شنیده می شود، اجماع داشتند، کارهایی که همانگونه که در قبل گفتیم با منهج صحیح ائمه آل بیت علیهم السلام تضاد دارد.

آیت الله العظمی محمد بن حسینی شیرازی گفت: «ولی از شیخ در المبسوط و ابن حمزه حرام بودن مطلق آمده است» (فقه: ۲۵۳/۱۵).
و شیرازی گفت: «در الجواهر خودزنی و شیون بطور قطعی حرام شده است».
(الفقه: ۲۶۰/۱۵).

و امام باقر رحمته الله فرمود: «بدترین جزع (بی صبری) فریاد بلند کشیدن در ناراحتی و شیون و زدن صورت و سینه می باشد، و کشیدن موی پیشانی می باشد و کسی که نوحه را برپا کند صبر را ترک کرده است و راهی غیر از راه درست را برگزیده است» (الکافی: ۲۲۲/۳-۲۲۳، وسائل شیعہ: ۹۱۵/۲، بحار الأنوار: ۸۹/۸۲).

و همچنین قول امام صادق رحمته الله است که: «کسی که در مصیبت دستش را بر رانش بزند اجر او باطل می شود». (الکافی: ۲۲۵/۳).

می گویم: پس حال تو چگونه است ای کسی که بر سرو سینه می زنی؟ آیا اجر تو از درجه اول اینکه با منع نبی صلی الله علیه و آله و سلم تضاد دارد، باطل نمی شود؟
و فرموده ی صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که بر صورت زند و یقه پاره کند از ما نیست» (مستدرک الوسائل: ۱۴۴/۱).

و محمد تیجانی سماوی این مسئله ذکر می کند که از امام محمد باقر صدر در باره ی این حدیث پرسید و او جواب داد: «حدیث صحیحی است که در آن شکی نیست» (ثم اهتدیت (آنگاه هدایت شدم): صفحه ۵۸ چاپ عربی).

و از یحیی بن خالد آمده است که مردی نزد نبی ﷺ آمد و گفت: چه چیزی اجر مصیبت را باطل می کند؟ فرمود: زدن دستها بر یکدیگر، و صبر در مصیبت از مهمترین مسائل است، کسی که به آن راضی شود برای او رضایتمندی خواهد بود و کسی که خشم کند پس برای او خشمگینی [از طرف خداوند] خواهد بود، در ادامه نبی ﷺ فرمود: «من از کسی که بتراشد و بالا ببرد بیزار هستم، به معنی تراشیدن سر و بلند کردن صدا» (جامع الحديث الشیعه: ۴۸۹/۳).

جعفر بن محمد (امام جعفر صادق علیه السلام) از پدران نبی ﷺ در حدیث نهی شدگان، روایت می کند: «همانا او از بوجود آوردن صدای حزین در مصیبت نهی فرمود و نهی فرمود از نوحه سرائی و شنیدن آن و نهی فرمود از زدن صورت» (من لایحضره الفقیه: ۴-۳/۴).

و محمد بن مکی عاملی گفت: «بر سر و سینه زدن و پاره کردن و کشیدن مو به طور اجماع حرام می باشد؛ آنرا در المبسوط گفته است و آن خشمگینی بر قضاء و قدر الهی است» (فی الذکری: صفحه ۷۲).

و شیرازی گفته است: «در المنهی زدن صورت و برکندن مو نهی شده است» (الفقه: ۲۶۰/۱۵).

دکتر محمد تیجانی سماوی به گریه ی نبی ﷺ بر عمویش ابی طالب و حمزه و همسرش خدیجه اشاره می کند و می گوید: «ولی در تمامی آن حالات از سر مهربانی گریه می کرد... ولی وی از بروز ناراحتی از فرد حزین و زدن صورت و پاره کردن سینه نهی فرمود، پس چگونه است حال تو که با اجسام آهنی بر خود می زنی بطوریکه خون سرازیر می شود؟» (در کتاب کل الحلول: صفحه ۱۵۱).

سپس تیجانی یاد می کند که امیر المؤمنین علی بن ابیطالب آنچه را که شیعیان امروزه انجام می دهند در زمان وفات نبی ﷺ انجام نداد و به همین ترتیب امامان

حسن و حسین و سجاد نیز این کار را نکردند و درباره این امام، تیجانی گفته است: «همانا چیزهائی را دید که هیچ کس ندیده است او با دو چشم خود شاهد کربلا بود، کربلائی که در آن پدرش و عموهایش و بردارانش همگی کشته شدند، و مصیبت‌هائی را دید که کوه دوام آنرا ندارد و در تاریخ نیز از هیچکدام از ائمه علیهم‌السلام چیزی درباره آنکه او کاری کرده باشد روایت نشده است و یا اینکه امر به تبعیت و پیروی آن کند» (کل الحلول: صفحه ۱۵۱).

تیجانی همچنین می‌گوید: «به حق گفته می‌شود: آنچه که بعضی شیعیان از آن اعمال خاص انجام می‌دهند ذره‌ی از دین نیست، و اگر مجتهدین اجتهاد کنند و فتوا دهندگان به آن فتوا دهند که در آن اجری بزرگ و ثوابی عظیم قرار دهند، همانا آن فقط عادت و تقلید و احساسی برخورد کردن است که اهل آن توسط آن طغیان کرده و توسط آن از حالت طبیعی خارج می‌شوند و بعد از مدتی فقط بصورت یک رسم قومی در می‌آید که پسر از پدرش به شکلی کورکورانه و بدون فهم به ارث می‌برد، تا جائی که بعضی از عوام اینگونه حس می‌کنند که با زدن خود و خود را خونی مالی کردن قرب الی الله می‌باشد، و بعضی اینگونه اعتقاد دارند که کسی که این کار را انجام ندهد حسین را دوست ندارد» (کل الحلول: صفحه ۱۴۸).

و همچنین گفته است: «عقل سلیم این مناظر مشمئز کننده را نمی‌پذیرد، وقتی مردی لخت می‌شود و با زنجیر بدست خودش خود را می‌زند و به طرزی دیوانه وار صدای خود را بلند کرده و حسین حسین؛ می‌کند، و عجیب و شک برانگیز اینجا است که بوضوح دیده می‌شود وقتی آن افراد به یکباره کارشان تمام شد، انگار مانند این است که ناراحتی آنها بر طرف شده است و با گذشت اندک زمانی بعد از اتمام عزاداری می‌بینی که می‌خندند و شیرینی می‌خورند و می‌نوشند و میوه می‌خورند و همه چیز با تمام شدن حرکت دسته تمام می‌شود. و عجیب آنجا

است که بیشتر آنها انسانهای دینداری نیستند، و از این رو چندین دفعه خودم در انتقاد از آنها مدارا کرده و گفتم: همانا آنچه انجام می دهند فقط یک رسم قومی و تقلید کورکورانه است» (کل الحلول: صفحه ۱۴۹).

و سخن شیخ مغنیه نزدیک به این سخن است که می گوید: «حقیقتا زدن سر با قمه و شمشیر و خارج شدن خون از آن ذره ای از اسلام نمی باشد و در مورد آن هیچ نص صریحی وجود ندارد ولی عواطفی زیباست که در وجود مؤمنین شکل می گیرد چنانچه خونی پاک بخاطر سرهای بریده‌ی فاجعه کربلا ریخته می شود» (آداب المنابر: صفحه ۱۸۲).

س: حکم لباس سیاه در عاشورا چیست؟

ج: از امام سوال شد حکم نماز در کلاه سیاه چیست؟ فرمود: «در آن نماز نخوانید که لباس اهل جهنم است» (من لایحضره الفقیه: ۱/۱۶۲).
و از امیر المؤمنین علی علیه السلام در آنچه که اصحابش می دانستند روایت شده است که فرمود: «لباس سیه نپوشید که آن لباس فرعون است» (من لایحضره الفقیه: ۱/۱۶۳).

و از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که پیامبر در رنگ سیاه کراهِت می ورزید بجز سه چیز: عمامه و موزه و ردا (من لایحضره الفقیه: ۱/۱۶۳).

و آمده است که جبرئیل علیه السلام بر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم با قبائی سیاه و کمربندی که در آن خنجری وجود داشت پدیدار آمد و صلی الله علیه و آله و سلم گفت: این لباس پوشیدن چیست؟ و گفت: هیبت پسر عمویت عباس است ای محمد و ای بر فرزندات^۱ از پسر عمویت و نبی صلی الله علیه و آله و سلم به سمت عباس حرکت کرد و گفت: ای عمو! وای بر فرزندانم که از

۱ - بروایتی اهل بیت پیامبر از سلاله حضرت عباس نیز می باشند. (مترجم)

فرزندت می باشد. و گفت: ای رسول الله آیا من باید جواب دهم؟ گفت: قلم در نوشتن بدی آن ناتوان است» (من لایحضره الفقیه: ۱/۱۶۳، وسائل شیعہ: ۳/۲۷۹).

س: زنان بیشتر گریه و نوحه سرائی می کنند آیا در حق آنها اجازه ای برای اجر بردن وجود دارد؟

ج: ممنوعیاتی که در روایات گذشته آورده شده است در مورد زن و مرد یکسان است ولی برای مزید معلومات روایاتی را ذکر می کنیم که طرف آنها به شکل خاص زنان می باشد تا باشد که زنان شیعه مذهبی که به عزاداری و حسینیّه ها می روند آنها را جمع بندی کرده و در آن تدبیر کنند و آن مراسم را بر خود قدغن کنند.

و امام حسین علیه السلام به خواهر خود زینب وقتی بر صورت خود می زد و دست به گیربان می برد و آنرا پارکده و بیهوش بر زمین افتاد گفت: «ای خواهر کوچک من از خدا تقوا پیشه کن و برای عزای خداوند عزادار باش و بدان که اهل زمین می میرند و اهل آسمان باقی نمی مانند و همانا که همه چیز نابود می شود بجز وجه خداوند تعالی، کسی که مخلوقات را با قدرتش خلق کرده است و همه بسوی او بر می گردند و او یک و یگانه است، پدرم از من بهتر بود و مادرم [نیز] از من بهتر بود و برادرم از من بهتر بود و بر من و بر هر مسلمانی واجب است که رسول الله را الگوی خود بگیریم و به شکل و مانند وی عزادار باشیم، سپس به او گفت: «ای خواهرم، تو را قسم می دهم و قسم خوردن را دوست نمی دارم، چنانچه من کشته شدم گریبان خود را بر من پاره نکن و صورتت را برای من چنگ نزن و برای من شیون و زاری نکن» (ابن طاووس در الملهوف: صفحه ۵۰ و شیخ محمد حسین فضل الله در الندوة: ۵/۲۰۹).

و در روایتی گفت: «ای خواهر من، ای ام کلثوم، ای فاطمه، ای رباب اگر دیدید کشته شدم، گریبان خود را پاره نکنید و صورتهای خود را چنگ نزنید» (عبدالرزاق الموسوی المقرم در مقتل الحسین: صفحه ۲۱۸).

و در روایتی دیگر: «ای خواهرم همانا تو را قسم می دهم وقتی که من هلاک شدم، گریبان خود را بر من پاره نکن و صورت خود را برای من چنگ نزن و گریه و زاری برای من پیا نکن» (مستدرک الوسائل: ۱/۱۴۴، مظالم اهل البیت: صفحه ۲۶۴، کتاب: علی خطی الحسین صفحه ۱۱۶ و کتاب: تظلم الزهراء صفحه ۱۹۰ و...).

و کلامش بسی جای تامل دارد.

و شیخ صدوق و بعضی دیگر از عمر بن ابی المقدام روایت کرده است که گفت: از أبا الحسن و أبا جعفر شنیدم که درباره کلام خداوند ﴿وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ﴾ (الممتحنة: ۱۲). ترجمه: «در کار نیک از تو نافرمانی نکنند» گفتند: همانا رسول الله ﷺ به فاطمه عليها السلام فرمود: هنگامی که من مردم صورت خود را بر من چنگ نزن و موهای خود را بر من بر صورت سینه نریز و به شیون ندا سرمرده و برای من نوحه برپا نکن. سپس فرمود: این همان نیکی است که خداوند عزوجل می فرماید: ﴿وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ﴾ (معانی الأخبار: صفحه ۳۹۰، وسائل شیعہ: ۹۱۵/۲-۹۱۶، و شیخ محمد حسین فضل الله در الندوة: ۷۲/۵).

و ابی عبدالله عليه السلام در مورد این قول خداوند عزوجل ﴿وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ﴾ فرمود: «نیک (معروف): پاره نکردن گریبان و نزدن بر صورت و آواز نخواندن با زاری و نه ایستادن کنار قبر می باشد» (تفسیر نور الثقلین: ۳۰۸/۵).

و از ابی سعید آمده است: «رسول الله ﷺ نوحه خوان و شنونده اش را لعن کرده است» (مستدرک الوسائل: ۱/۱۴۴، البحار: ۸۲/۹۳).

هنگامی که امیرالمؤمنین علی ؑ گریه زنان را بر کشته شدگان صفین شنید، بسوی حرب بن شریحیل شامی حرکت کرد که او یکی از بزرگان قومش بود و علی ؑ گفت: «آیا بر زنانان از آنچه می شنوم چیره نمی شوید؟ آیا از این صوت حزین آنان را منع نمی کنید؟» (جامع الأحادیث الشیعه: ۳/۳۸۷، نگاه کنید البحار: ۸۳/۸۹). از ابی عبدالله ؑ که فرمود: «اگر خداوند به کسی نعمتی دهد و بخاطر آن نعمت او بدنبال ساز و آواز رود همانا به آن کفر ورزیده است و کسی که به او مصیبتی وارد شود و بخاطر آن مصیبت به نوحه سرائی پردازد نیز به آن کفر ورزیده است و (در روایتی دیگر آمده است): همانا آنرا باطل کرده است» (وسائل الشیعه: ۹۰/۱۲).

و از جعفر بن محمد از پدرانش ؑ در وصیت نبی ﷺ به علی ؑ آمده است: ای علی اگر کسی زنی را اطاعتی کند خداوند عزوجل او را با صورتش وارد آتش می کند، علی ؑ گفت: آن اطاعت چیست؟ فرمود: به او اجازه دهد تا به آرایشگاه ها و عروسیها و نوحه سرائیها رود و لباس نازک بپوشد» (وسائل الشیعه: ۳۷۶/۱).

و شیخ صدوق و بعضی دیگر از جعفر بن محمد از پدرانش ؑ از علی ؑ روایت کرده اند که رسول الله ﷺ فرمود: «چهار چیز است که در اتم ناپود نمی شود تا روز قیامت: فخر فروشی به کفایت و توهین به اقوام و باران طلبیدن از ستارگان و نوحه سرائی، و نوحه خوان اگر قبل از مرگش توبه نکند، وقتی قیامت برپا می شود بطوری است که پیراهنی از مس گداخته پوشیده و سپر[ش در برابر آن] پوست می باشد» (الخصال: صفحه ۲۲۶).

از جعفر بن محمد رحمته الله هنگام احتضار چنین وصیت کرد: [زنان] برای من صورتها را نزنند و گریبان برای من پاره نکنند و هر زنی که گریبان بر من پاره کند جز این نیست که شکافی در جهنم برای او ایجاد می شود و هر چه بیشتر پیش رود شکاف او بیشتر می شود» (بحار الأنوار: ۱۰۱/۸۲).

و از علی رضی الله عنه که فرمود: «رسول الله صلی الله علیه و آله از زنان بیعت گرفت که نوحه سرائی نکرده و خود را چنگ نزده و با مردان در خلوت باقی نمانند» (بحار الأنوار: ۱۰۱/۸۲).

س: آیا از ائمه دلیلی برای روزه روز عاشورا وارد شده است؟^۱

ج: از ابی عبدالله از پدرش از علی رضی الله عنه که فرمود: عاشورا روزه بگیرید (و آن) نهم و دهم می باشد که گناهان یکسال بخشیده^۲ می شود» (تهذیب الأحکام: ۲۹۹/۴، الاستبصار: ۱۴۳/۲).

از ابو الحسن رحمته الله روایت شده است که فرمود: «رسول الله صلی الله علیه و آله روز عاشورا روزه بود» (تهذیب الأحکام: ۲۹/۴).

و امام جعفر از پدرش روایت می کند: «روزه روز عاشورا کفاره [گناهان] یکسال است» (تهذیب الأحکام: ۳۰۰/۴).

۱ - در روز تاسوعا و عاشورا که از تسع و عشر به معنی نه و ده می باشند، روزه مستحبی وجود داشت ولی بعدها به علت اینکه خواستند مراسم عزاداری را به شکلی عامتر برگزار کنند از روزه گرفتن در این روزها منع کردند؛ قسمتی از اسناد آن اینجا ذکر شده است. (مترجم).

۲ - مواردی از این قبیل که باعث بخشش گناهان می باشد فقط شامل گناهیانی است که فرد آنها را ناخواسته انجام داده است و گناهی که به عمد انجام شود راهی جز توبه در این دنیا ندارد.

و از امام صادق علیه السلام: «کسی که روز عاشورا روزه بگیرد همانا آن [روزه] صاحبش را از هر بدی حفظ می کند» (وسائل الشیعة: ۳۴۷/۷).

و از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود: «بهترین نماز بعد از نمازهای واجب، نماز در ژرفای شب است و بهترین روزه بعد از ماه رمضان، روزه در ماه خداوند است که محرم گفته می شود» (جامع الأحادیث الشیعة: ۴۷۴/۹).

و از حضرت علی رضی الله عنه: «روز عاشورا نهم و دهم را احتیاطاً روزه بگیرید که آن کفاره یک سال قبل آن است و اگر کسی آنرا نمی دانست و چیزی خورد [در ادامه] روزه خود را کامل کند» (مستدرک الوسائل: ۵۴۹/۱).

از ابن عباس رضی الله عنهما: «اگر هلال ماه محرم را دیدید [روزها را] بشمارید و به نهم که رسیدید روزه باشید [راوی: گفتیم: این همان است که رسول الله صلی الله علیه و آله روزه می گرفت؟ گفت: بله]» (اقبال الأعمال: صفحه ۵۵۴، وسائل الشیعة: ۳۴۷/۷).

و رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاوس روایت می کند: «اخبار بسیاری در ترغیب به روزه آن [روز] وارد شده است» (اقبال الأعمال: صفحه ۵۵۸).

و نوری طبرسی از جعفر بن محمد روایت می کند که او همانا فرمود: «سفینه [نوح] روز عاشورا بر کوه جودی مستقر شد از این رو انس و جن آنرا روزه بگیرند و آن روزی است که خداوند توبه ی آدم علیه السلام را پذیرفت» (مستدرک الوسائل: ۵۹۴/۱).

س: بعضی از محققین ساختن بنا بر قبور ائمه را منع می کنند نظر شما چیست؟
ج: بله، رسول الله صلی الله علیه و آله از این کار منع فرمود و سخن ائمه علیهم السلام نیز بعد از او اینگونه بود؛ از ابی عبدالله علیه السلام که فرمود: «رسول الله صلی الله علیه و آله از اینکه بر قبور نماز

گذاشته شود یا بر کنار آنها نشسته شود و یا بر آن بنا ساخته شود، منع فرموده است». (وسائل الشیعة: ۸۶۹/۲).

و از نبی ﷺ آمده است که، «منع فرمود، گنج کاری قبر، ساختن بنا بر آن و نشستن حول آن» (مستدرک الوسائل: ۱۲۷/۱).

بر این منع، ائمه نیز مطالبی افزودند، از امام صادق علیه السلام که فرمود: «حرام خورها هفت دسته هستند: رشوه گیرها در حکم کردن، مهریه زنا و پاداش به دروغگوی غیبگو و بهای سگ گرفتن و کسانی که بر قبور بنا می سازند» (مستدرک الوسائل: ۱۲۷/۱).

و از علی بن جعفر: از أبا الحسن موسی در مورد بنا ساختن بر قبر و نوشتن بر آن سوال کردم که آیا درست می باشد؟ فرمود: بنا ساختن بر آن و درست نمی باشد حول آن و نه گچکاری و نه گل اندود. (وسائل الشیعة: ۸۶۹/۲، جامع الحدیث الشیعة: ۴۴۴/۳).

از خداوند می خواهیم که به نوشتن نویسنده و خواندن خواننده اجر دهد و ما را به راه درست هدایت فرماید.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.